

بازنمایی سیدالشهدا علیه السلام در وصیت نامه های شهدای دفاع مقدس استان قم

■ کریم خان محمدی^۱، خدیجه قاضی خانی^۲

چکیده

مطالعه اسناد تاریخی همواره جذابیت دارد، زیرا گذشته آیینی آینده است، به ویژه گذشته نزدیک و آن هم مقاطع حساس بیشتر خود را نمودار می کند و با فرافکنی روند می توان الگویی برای آیندگان ترسیم کرد. از جمله مقاطع متمایز و برجسته در تاریخ ملت ها بازه زمانی جنگ است. دوران جنگ انسان ها را متمایز کرده و افراد درگیر در آن همچون کنشگران مناسک در وضعیت آرمانی سیر می کنند. در واقع جنگ «جماعت واره» یا «درامای اجتماعی» است که بازیگران اصلی آن رزمندگان هستند. تبلور یافتگان جنگ، به ویژه از نوع دفاع، چنان در نقش خود غوطه ور می شوند که برخی از آن ها آگاهانه به شهادت می رسند. شهدای جنگ معمولاً برای خود رسالت فرا زمانی فائل شده و به نگارش وصیت نامه عمومی رو می آورند. نگارش وصیت نامه سیاسی اجتماعی در زمان های دیگر مرسوم نیست، اما رزمندگان در دوران جنگ عمدتاً وصیت نامه می نویسند. در این مقاله با بهره گیری از روش تحلیل مضمون، وصیت نامه های شهدای قم را بررسی کرده و به این نتیجه رهنمون می شویم که در زمان دفاع مقدس چنان وضعیت اسطوره ای و دراماتیک می شود که شهدا با «گرایش ابراهیمی» با داستان کربلا کاملاً هم ذات پنداری می کنند؛ خودشان را یاران امام حسین (ع) و امام خمینی (ره) را حسین زمان و دشمن خمینی (ره) را یزید تلقی می کنند. از این رو بیشترین مضمون انعکاس یافته در وصیت نامه ها سخنان و سیره امام حسین (ع) است. همچنان که شهید آوینی معتقد بود، هر کس می خواهد شهدا را بشناسد داستان کربلا را بخواند.

واژگان کلیدی

شهدا، امام حسین (ع)، وصیت نامه، دفاع مقدس، قم.

مقدمه

مطالعه اسناد تاریخی برای بشر از اهمیت برخوردار است. از جمله اسناد مکتوب به جامانده از انسان‌های گذشته که قابلیت بسزایی برای مطالعه دارد وصیت‌نامه‌هاست. اهمیت وصیت‌نامه از حیث سندیت به این است که نگارنده تعمداً آن را تولید کرده و به سند بودن آن آگاه است. در قسمتی از وصیت‌نامه شهید جمشید صادقی آمده است: «بشکند قلمت ای تاریخ‌نویس، اگر نویسی با امت خمینی (ره) چه کردند» (کمری، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

بنابراین، مطالعه و بررسی وصیت‌نامه‌های شهدا از این حیث اهمیت دارد که نویسندگان آن‌ها علاقه دارند منویات خود را در آن‌ها انعکاس داده و به آیندگان منتقل کنند. در این‌گونه نوشته‌ها مهم‌ترین مسائل اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و سخنان ناگفته دوران حیات نویسنده را می‌توان مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که گاه می‌توان با مطالعه آن‌ها به طرز تفکر، نگرش، اعتقادات و حتی چگونگی فعالیتشان در رویدادهای تاریخ‌ساز کشور و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز پی برد و یا در موردشان قضاوت کرد. یکی از روش‌های موفق جهت تفهم یک مقطع خاص تاریخی، به‌ویژه مقاطع حساس، همچون دوران جنگ، مطالعه اسناد به‌جای‌مانده به‌ویژه اسناد ناطق همانند وصیت‌نامه‌هاست. سؤال اصلی پژوهش این است که چرا حادثه کربلا، به‌ویژه امام حسین (ع)، بیشترین بازتاب را در وصیت‌نامه‌های شهدای قم داشته و این انعکاس چگونه بوده است.

پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت موضوع، درباره وصیت‌نامه‌های شهدای جنگ مطالعات علمی چندانی صورت نگرفته است. هرچند در کتابخانه تخصصی دفاع مقدس می‌توان کتاب‌هایی را مشاهده کرد که با شیوه‌های مختلف در زمینه وصیت‌نامه نگارش یافته‌اند، اما عمدتاً جنبه تحلیلی ندارند؛ از جمله:

۱. کتاب‌هایی با دسته‌بندی موضوع‌های خاص با محوریت وصیت‌نامه‌ها به چاپ رسیده‌اند که فقط بخش‌هایی از آن تعداد محدودی وصایا را بیان می‌کنند، مانند: امام زمان (عج) (گزیده موضوعی وصیت‌نامه شهدا)، رضا شایه‌پوری، چاپ اول، ۱۳۹۲، نشر شاهد، تهران.
۲. کتاب‌هایی که در مورد زندگی و وصیت‌نامه افراد خاصی از قبیل ورزشکاران و افسران و فرماندهان نگاشته شده‌اند، مانند: رویین تنان (زندگی‌نامه و وصیت‌نامه شهدای ورزشکار خوزستان)، تاجیه سواری، چاپ اول، ۱۳۸۴، انتشارات قیام.
۳. کتاب‌هایی که محوریت آن فقط وصیت‌نامه شهید است و این کتاب‌ها در چند سال اخیر نگاشته شده‌اند و مربوط به چند استان خاص‌اند، از جمله: وصیت‌نامه کامل شهدای استان سمنان، پارسا چوپانی و منوچهر اکبری، دوازده جلد، جلد سوم، ۱۳۹۱، نشر شاهد.

در کنار این کتاب ها پایان نامه هایی نیز در زمینه وصیت نامه شهدا یافت می شود، از جمله: - انگیزه های مؤثر بر شهادت طلبی (بررسی وصیت نامه های شهدای آموزش و پرورش استان گیلان)، محمدحسین شاعری، ۱۳۷۷.

- تحلیل محتوای وصیت نامه شهدای دانش آموز انقلاب اسلامی در شهرستان نیشابور، طاهره قره باغی، ۱۳۸۰.

این کتاب ها و پایان نامه ها که با همکاری و حمایت دفتر تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی: اداره تحقیقات و مطالعات به ثمر رسیده اند، علاوه بر تمایز روشی، با موضوع بحث مقاربت چندانی ندارند. از این رو، مطالعه وصیت نامه های شهدای دفاع مقدس استان قم، بازتاب نهضت عاشورا و سیدالشهدا در آن ها از بداعت موضوعی و روشی برخوردار است.

مبانی نظری پژوهش

هویت یک ملت طی فرایند تاریخی و در مواجهه با حوادث مختلف شکل می گیرد، اما همه مقاطع تاریخی از ارزش یکسانی برخوردار نیستند. برخی بازه های زمانی تاریخی، به دلیل تلاقی با حوادث ویژه، برجستگی خاصی پیدا می کنند که این ایام را می توان به تعبیر الیاده «زمان مقدس» نامید (Eliade, 2005: 59). از جمله این روزگاران تاریخی، که جامعه شناسان برای آن اهمیت ویژه قائل هستند و همواره نقطه عطفی در تاریخ ملت ها محسوب می شود، دوران جنگ است. ملاحظه تاریخ مکتوب ملت ها نشان می دهد تاریخ نویسان همواره به مقاطع جنگ و تحلیل آن بیشتر پرداخته اند. گاهی جنگ به عنوان محرک ملت ها نقش بسزایی در تدویم فرهنگی آن ها با مرجع اسطوره پردازی دارد.

پدیده جنگ را از دو منظر می توان نگاه کرد؛ از یک چشم انداز نزدیک و سطحی، جنگ مخرب است، اما کسانی که درگیر جنگ می شوند از زاویه دید آن ها جنگ سازنده است. به هر حال، سرسخت ترین صلح طلبان عالم نیز جنبه های اخلاقی و پیامدهای مثبت آن بر کنشگران را انکار نمی کنند؛ «جنگ فضایل حماسی و والا همانند شجاعت، فداکاری، وفاداری و دوستی بین رزمندگان، راستی و دوستی را برمی انگیزد. بشریت در تمام تمدن های مختلف همواره به فضیلت های اخلاقی جنگ واقف و برای آن ها ارزش بسیار زیادی قائل بوده است» (بوتول، ۱۳۸۷: ۸۱).

همچنان که مناسک انسان را از وضعیت عادی به وضعیت آرمانی مبدل می کند، کنشگران جنگ نیز خود را متعالی می پندارند. جنگ به تمام معنا یک مناسک است. به تعبیر ترنر، جنگ یک «جماعت واره»^۱ یا «درامای اجتماعی»^۲ است. این وضعیت در شرایط

1. Communitas

2. Social Drama

غیرعادی همچون مناسک رخ می‌دهد (مور، ۱۳۸۹: ۲۹۸).

ویژگی بارز جنگ این است که «انسان را از زندگی روزمره‌اش جدا می‌کند. جنگ انسان را در فضای مادی و روانی غیرمعارفی قرار می‌دهد. جنگ قبل از هر چیز منبع شور و هیجانی بی‌نظیر است». به دلیل همین شور و هیجان، افراد درگیر در جنگ خود را در فضای اسطوره‌ای احساس می‌کنند و بلادرنگ وارد دنیای روانی دیگری می‌شوند؛ «در این دنیای جدید، ارزش‌ها دگرگون و طرز تفکرها در معرض تحول واقع می‌شوند». ارزش‌ها و نگرش‌های تبلور یافته در زمان جنگ چنان مهم می‌نمایند که افراد به‌خاطر آن‌ها مجاهده می‌کنند و در جهت جهان شمول کردن آن‌ها از جان خویش می‌گذرند و «هر عقیده‌ای که شهادت‌ها و فداکاری‌هایی برانگیخته باشند فی‌نفسه واجد ارزش می‌شوند» (بوتول، ۱۳۸۷: ۷۰-۶۶).

مناسک از عناصری تشکیل می‌شود که اوج آن در پدیده قربانی متبلور است. در جنگ عنصر «فرازمانی» و «فرامکانی» بودن کاملاً متبلور می‌شود و افراد درگیر حس می‌کنند رسالت جهانی دارند و برای تحقق بخشیدن به این رسالت باید جان‌فشانی کنند. فرمانده خودرأی زیردستان خود را به زندگی معنوی عرفانی دعوت می‌کند و پیروان نیز با همان نگرش معنوی و عرفانی خود را فدای ارزش‌های تولیدشده در فضای متعالی می‌کنند و جنگ، رزمنده و رهبر مقدس تلقی شده و مجاهدان اوج فداکاری را در «قربانی» خویشتن می‌یابند که از این پدیده جامعه‌شناسان با عنوان «گرایش ابراهیمی» نام می‌برند (بوتول، ۱۳۸۷: ۸۵۸۶).

پدیده گرایش ابراهیمی بدین معناست که رهبر عزیزترین و محبوب‌ترین پیروان را به قربانگاه می‌فرستد و پیروان اوج تسلیم را در شهادت می‌یابند. بنابراین، شهادت، ضمن اینکه ارزش‌ها را تقویت می‌کند، خود نیز به ارزش تبدیل می‌شود. کنشگران جنگ، از آنجاکه خود را در وضعیت متعالی فرازمانی می‌پندارند، معمولاً با کهن‌الگوهای موجود در تاریخ هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. این کهن‌الگو به‌طور عام در ادبیات ادیان آسمانی «ابراهیم» است. اما به تناسب فرهنگ جوامع متغیر است. در فرهنگ شیعی، امام حسین (ع) جایگزین حضرت ابراهیم (ع) است. در دفاع مقدس (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۹ مرداد ۱۳۶۷) رزمندگان امام خمینی (ره) را حسین زمان تلقی کرده و با یاران امام (ع) هم‌ذات‌پنداری داشتند، حتی طرف مقابل را یزید تلقی می‌کردند (تصریح به تداعی در وصیت‌نامه‌های شهیدان: محمد نوروزی، حسن مهجور، محمد یکتا و حسن قمی کجانی).

شهید احمدعلی امیدی خوزستان را کربلای ایران می‌داند و شهید حسن موسولو جنگ را تحمیل شده از سوی صدام یزید و بعثی صهیونیستی برمی‌شمارد. شهید عباس حکیم حلاج از افراد می‌خواهد در این جنگ علیه صدام یزید و کافران و منافقان شیطان‌صفت حرکت کنند و امام خمینی را حسین زمان خطاب می‌کند. شهید حسین صبوری هم پیروزی

لشگریان حسین زمان بریزید زمان، یعنی ابرقدرت ها و صدام، را آرزو می کند. همچنین شهید محمدحسین آیت اللهی یزیدیان خون خوار و کافر که اهل بیت را اسیر کردند اجداد صدام و امریکا و دیگر کفار شرق و غرب می خواند. شهید محمد سخایی هم جوانان را مانند صدر اسلام جان برکف توصیف می کند که مشتاقانه و داوطلبانه به جبهه جنگ می شتابند تا به ندای هل من ناصر یبصری حسین زمان لبیک گویند و پشت یزیدیان را به لرزه درآورند. به تعبیر رضا غلام رضایی علوی، این زمان با زمان حسین بن علی (ع) فرقی ندارد و شهید اکبر داداشی دیوکلاپی هم تأکید می کند: «لبیک به ندای هل من ناصر یبصری حسین زمان همان لبیک به ندای اباعبدالله الحسین است و عدم جواب به این لبیک یعنی بی وفایی و تنها ماندن حسین در کربلا».

بنابراین، رزمندگان یاران امام حسین اند و دیگری آن ها کسانی هستند که امام را تنها می گذارند. امام خمینی (ره) حسین زمان است که درصدد احیای اسلام ناب محمدی (ص) است. دشمنان خمینی کافرند و در استعاره آن ها، «صدام» یزید زمان است. البته در سطوح فرهیخته تر، صدام، «عبیدالله بن زیاد» و امریکا نماد یزید هستند.

رهبر و پیروان در زمان جنگ نقش فرازمانی برای خود ترسیم کرده و احساس رسالت می کنند که به نگارش وصیت نامه مبادرت کنند. در زمان های معمول نگارش وصیت نامه اخلاقی سیاسی که مخاطب آن عموم مردم باشد اصلاً مرسوم نیست. در زمان متعالی رهبر و رزمندگان در راستای رسالت جهانی به نگارش وصیت نامه عمومی رو می آورند و آیندگان را مخاطب خویش قرار می دهند. آن ها درصددند «ارزش های متعالی» دوران جنگ را جهان شمول و سرمدی کنند. از این جهت است که مقاطع جنگ در فرایند تحولات فرهنگی نقطه عطف محسوب می شود. همچنان که امام حسین (ع) وصیت نامه مکتوب دارند؛ هذا ما اوصی به الحسین بن علی (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۳۲۹) امام خمینی (ره) نیز وصیت نامه سیاسی الهی نوشته و توصیه عام دارند: «امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسل بعد نسل بر آن افزوده گردد» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۴۵۰).

همچنان که یاران امام حسین (ع)، به مقتضای رسانه آن عصر، رجز خوانده اند، رزمندگان ایرانی عمدتاً «وصیت نامه» مکتوب دارند. در ذهنیت یاران خمینی (ره)، «دفاع مقدس» بازنمای کربلاست. به تعبیر شهید مرتضی آوینی، «هرکس می خواهد ما را بشناسد داستان کربلا را بخواند، اگرچه خواندن داستان را سودی نیست اگر دل کربلایی نباشد. از باب استعاره نیست اگر عاشورا را قلب تاریخ گفته اند. زمان هر سال در محرم تجدید می شود و حیات انسان هر بار در سیدالشهدا (ع). حب حسین (ع) سِرّ الاسرار شهداست» (آوینی، ۱۳۷۵: ۲۶۲).

با ملاحظه مطالب مذکور، چند مفهوم همبسته تولید می شود که نیاز به تعریف دارد.

الف) وصیت‌نامه

وصیت در لغت به معنی «رساندن چیزی به چیزی است و از این باب به معنای کلامی است که رسانیده می‌شود» (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱۱۶) یا «دستوری که کسی پیش از مردن به وصی خود بدهد که بعد از مرگ او اجرا کند» (دهخدا، بی‌تا: ۲۰۷ و ۲۰۸) و به معنای «پند، اندرز و سفارش، فرموده و فرمان» هم آمده است (نفیسی (ناظم الأطلبا)، ۲۵۳۵: ۳۸۶۷ - ۳۸۶۵). در تعریف اصطلاحی نیز، که قرابت با معنای لغوی دارد، آمده است: «نوشته‌ای که به موجب آن موصی عهده‌ای را بر ورثه خود تحمیل کرده یا طریق تقسیم یا مصرف اموال خود را پس از مرگ تعیین کند. وصیت‌نامه ممکن است به طور رسمی یا خودنوشته یا سری تنظیم شود و در پاره‌ای مواقع هم شفاهی باشد. در هر حال موصی باید در موقع تنظیم وصیت‌نامه صحت مشاعر خود را حفظ کرده و اراده و اختیار توسط یکی از اشخاص ذی نفع از او سلب نشده باشد» (مصاحب، بی‌تا: ۳۱۷۰). در اصطلاحات فقهی وصیت «به سفارش شخص در زمان حیاتش به اموری برای بعد از وفاتش» تعریف شده است (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۵۹۰). در اهمیت وصیت احادیث بسیاری یافت می‌شود: «وصیت نکردن مایه ننگ این جهان و آتش آن جهان است»^۱ (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۲۶ و ۱۱۴۱).

از منظرهای مختلف می‌توان وصیت‌نامه‌ها را گونه‌شناسی کرد. به تناسب مقاله می‌توان گفت وصیت‌نامه به دو گونه خصوصی و عمومی تقسیم‌بندی می‌شود. وصیت‌نامه خصوصی مخاطب خاص دارد و مربوط به امور خصوصی، احوال شخصی و خانوادگی است. اما وصیت‌نامه عمومی یا رسالت‌محور به وصیت‌نامه‌هایی اطلاق می‌شود که مربوط به حوزه عمومی است و مخاطب آن همگان یا عموم مردم هستند. منظور از وصیت‌نامه در این مقاله وصیت عام، همانند وصیت‌نامه شهدای جنگ تحمیلی، است. به نوشته شهید محمد (عباس) پاینده، «وصیت یعنی پیام خون شهادت، پیام رشادت، پیام شهامت، پیام صداقت، پیام که برعکس دیگر پیام‌ها نه به وسیله نوشتار یا گفتار که توسط خون فرستاده و متجلی می‌گردد... پیامی که حاملش خون باشد، آن هم خونی که هرگز خشک‌شدنی نیست، محال است که از بین برود و نابود گردد».

ب) شهدا

شهادت در لغت به معنای گواهی دادن (دهخدا، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۴۵۹۳)، کشته شدن در راه خدا، شهید گردیدن (معین، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۰۹۵) آمده است و شهید به کشته‌شده در راه خدا اطلاق می‌شود (دهخدا، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۴۶۲). براساس محتوای آیات قرآن، «الشَّهِيدُ الْقَتِيلُ فی سبیل اللّٰه» تعریف می‌شود (ابن فارس، بی‌تا، ج ۳: ۲۲۱). «شهید کسی است که در جنگ

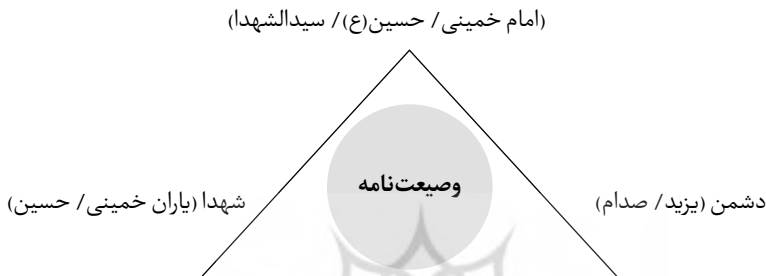
کشته شود و نامیدن او به اسم شهید یا برای حضور فرشتگان بر بالین اوست که اشاره به آیه «تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا» (فصلت: ۳۰) است. فرشتگان به هنگام شهادت بر آن ها فرود آیند و به آن ها می گویند نترسید و اندوه بار نباشید که بهشت مزدگانی شماست. یا اشاره به این آیه دارد: «وَالشَّهْدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ» (حدید: ۱۹) شهیدان در پیشگاه خداوند هستند و پاداششان از ایشان است. یا این معنا مدنظر است که شهید و شهداء در حالت شهادت تمام آنچه از نعمت ها برای آن ها آماده است مشاهده می کنند و یا به این دلیل است که ارواحشان در پیشگاه خدا حاضر می شوند و گواه بر آن ها هستند، چنان که خداوند می فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا» (آل عمران: ۱۶۹) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۵۶).

در روایات نیز به این کلمه و مفهوم آن فراوان پرداخته شده است که در اینجا به ذکر یک روایت بسنده می شود: «قال رسول الله (ص): فوق كل ذي بربر حتى يقتل في سبيل الله فاذا قتل في سبيل الله فليس فوقه بر. برتر از هر نیکی نیکی دیگری هست تا آنکه انسان در راه خدا کشته شود. آن گاه اگر در راه خدا کشته شد دیگر چیزی برتر از آن نیکی نخواهد بود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۳).

ج) سیدالشهدا

حُسين بن علي بن ابي طالب (زاده ۳ شعبان ۴ ه. ق / ۹ یا ۱۰ ژانویه ۶۲۶ م در مدینه - درگذشته ۱۰ محرم ۶۱ ه. ق / ۱۰ اکتبر ۶۸۰ م در کربلا) فرزند علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا و نوه محمد بن عبدالله، پیامبر اسلام، است. ایشان امام سوم شیعیان و پدر سلسله امامان شیعه دوازده امامی، و کنیه شان ابا عبدالله است. حسین (ع) روز عاشورا در نبرد کربلا شهید شد (پیشوایی، ۱۳۷۹: ۱۴۵-۱۴۳) و به همین خاطر شیعیان وی را «سید الشهداء» می نامند. در جوامع روایی تا زمان امام صادق (ع)، سیدالشهدا لقب حمزه، عموی پیامبر (ص)، است. امام حسین (ع) در اولین خطبه اش در برابر سپاه کوفه فرمود: «تأمل کنید که آیا کشتن و هتک حرمت من برایتان حلال است؟ مگر من پسر دختر پیامبران (ص)، و پسر وصی و پسر عموی و جزو اولین ایمان آورندگان به خدا و تصدیق کننده رسولش در آنچه از طرف پروردگارش آورده نیستم؟ آیا حمزه «سیدالشهدا» عموی پدرم نیست؟ آیا جعفر طیار شهیدی که دو بال دارد عمویم نیست؟ مگر این قول شایع به گوش شما نرسیده که رسول الله (ص) در مورد من و برادرم فرمود: «این دو سرور جوانان اهل بهشت اند» (ابو مخنف کوفی، ۱۳۸۰: ۱۴۹). عبدالله بن عباس درباره سخن خداوند: «والذين قتلوا في سبيل الله» (محمد: ۴) می گوید: «آنان، به خدا سوگند، حمزه «سیدالشهدا» و جعفر طیار هستند» (حسکانی، ۱۳۸۱: ۳۰۴).

در کتاب کامل الزیارات از زبان امام صادق (ع) لقب «سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ» به امام حسین (ع) انتقال یافته است. در این باره تحت عنوان «الباب السابع و الثلاثون ما روی أن الحسين (ع) سید الشهداء» روایاتی نقل شده است، از جمله «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) زُورُوا الْحُسَيْنَ (ع) وَلَا تَجْفُوهُ فَإِنَّهُ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ وَ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۹). امروز در میان شیعیان، برخلاف شهرت روایی، وقتی واژه سیدالشهدا به کار می‌رود امام حسین (ع) به ذهن تبادر می‌کند.



بنابراین، مطالعه بازنمایی امام حسین (ع) در وصیت‌نامه‌های شهدای جنگ تحمیلی از این حیث اهمیت دارد که می‌تواند نشان دهد شهدا چه آرمان‌هایی داشتند، با چه انگیزه‌هایی و با چه سازوکاری خود را در معرض شهادت قرار دادند، چه ابعادی از امام حسین (ع) در ذهنیت شهدا برجسته بوده و در وصیت‌ها انعکاس یافته است.

روش پژوهش

این پژوهش با الهام از روش تحلیل مضمون (سامان می‌یابد که از روش‌های کارآمد در تحقیق کیفی جهت تحلیل معنا به صورت منظم است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌ها و تبدیل آن‌ها به اطلاعات غنی و تفصیلی است. تحلیل مضمون الگوی موجود در داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke: 2006).

تحلیل مضمون فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است. در این روش داده‌های متنی پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌شود (عابدی، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۳). به طور کلی، تحلیل مضمون روشی است برای:

- الف) دیدن متن (وصیت‌نامه‌های شهدای قم)؛
- ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط (تمرکز بر گونه‌شناسی مطالب)؛
- ج) تحلیل اطلاعات کیفی (دسته‌بندی و استخراج فراوانی)؛

د) مشاهده نظام مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ (امام حسین، امام خمینی، رزمندگان)؛
ه) تبدیل داده های کیفی به داده های کمی (استخراج نمودار) (Boyatzis, 1998: 4).

مراحل انجام کار

فرایند تحلیل مضمون در این تحقیق در طی چند مرحله به سرانجام می رسد.

۱. مطالعه محتوای وصیت نامه ها

داده های اولیه این نوشتار با مراجعه به اسناد مکتوب موجود در مرکز اسناد کل کشور فراهم آمده است که در قالب دی وی دی با عنوان وصایای شهدای دفاع مقدس موجود است. هر شهید دارای صفحه ای است با کد شناسایی که در ذیل آن، وصیت نامه ها در قالب ورد و تایپ شده قرار دارند. مبنای اصلی پژوهش برپایه ۱۶۶۱ مورد وصیت نامه شهدای دفاع مقدس استان قم شکل گرفته است. در مرحله اول تمام وصایا مطالعه شده است.

۲. کدگذاری اولیه

در این مرحله مضامین وصیت نامه ها به تناسب ارتباط با حادثه کربلا و امام حسین (ع) استخراج و دسته بندی می شوند. درواقع، مضامین پایه مرتبط از مجموع وصیت نامه ها با علامت گذاری و بازبینی های مجدد به مقوله موضوعی تبدیل می شوند. در راستای جمع آوری داده ها با مطالعه توصیف گونه وصیت نامه های شهدای دفاع مقدس استان قم، اهتمام بر بازتاب وقایع نهضت عاشورا در این دست نوشته ها بوده است؛ وقایع تاریخی ای که در ذهن شهدا نقش بسته و بر حیات اجتماعی آن ها تأثیر نهاده بود.

۳. جست و جو و شناخت مضامین

در این مرحله با توجه به کدگذاری های صورت گرفته در مرحله قبل، بر روی کدهای اولیه تحلیل جزئی صورت می گیرد و تمامی داده های کدگذاری شده ذیل عناوین کلی تر که مفاهیم انتزاعی هستند قرار می گیرند. هدف از این مرحله شناسایی عبارت های مرتبط باهم و جلوگیری از تکرار مضامین و تفکیک آن ها از یکدیگر است. ساختار ارائه مطالب نیز براساس بسامد بازتاب ها تنظیم شده است. همچنین به دلیل گستردگی محتوای وصیت نامه ها و مشکل محدودیت اسناددهی، از آن جهت که این وصیت نامه ها هنوز در کتاب مستقلی یافت نمی شوند که بتوان به آن ها ارجاع داد، در متن به موارد بارز وصیت نامه ها یا آن هایی که نوشتارشان کامل تر است یا از زیبایی خاصی برخوردارند

اشاره می‌شود. در این مرحله مجموعه مضامین پایه زیر عنوان یک مضمون جهت‌دهنده مقوله‌بندی می‌شود.

۴. گونه‌بندی

در این مرحله تلاش می‌شود با تحلیل محتوا، داده‌های کیفی مقوله‌بندی شده در سطح جهت‌دهنده به مضامین فراگیر قابل تحلیل تبدیل شوند. از این روی، در پردازش و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار maxqda استفاده شده است.

در ارائه آمار، یک بار تعداد دقیق شهادایی که به مطالب نهضت عاشورا اشاره داشتند لحاظ شده است که با رنگ آبی نمایش داده می‌شود و یک بار نسبت به مجموع ۱۶۶۱ شهید دارای وصیت‌نامه‌اند که با رنگ قرمز نشان داده می‌شود و هر دو در یک نمودار آماری ترسیم می‌شوند. تفاوت درصدها از این معیار ناشی می‌شود.

این گونه‌بندی در جهت تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی برای سهولت دریافت مضامین متمرکز بر سیدالشهدا (ع) است. در واقع، برای اینکه پژوهش در قالب مقاله کیفی ارائه شود، زیرتیم‌ها برحسب مضامین جهت‌دهنده تنظیم شده و در قالب دو نمودار با عنوان فراگیر بازتاب «سخنان» و «نهضت» سیدالشهدا جمع‌بندی شده است.

چگونگی بازتاب نهضت سیدالشهدا (ع)

در بررسی وصیت‌نامه‌های شهدای استان قم می‌توان تأثیرپذیری این شهدا از واقعه عاشورا در دفاع از انقلاب و پیروی از امام خمینی (ره) را فهم کرد. آنچه از حوادث نهضت امام حسین (ع) در وصیت‌نامه این شهدا بازتاب یافته است می‌توان براساس فراوانی این گونه ارائه کرد:

۱. استناد به سخنان امام حسین (ع)

توجه به سخنان امام در حوادث مختلف نهضت حسینی بیشترین بازتاب از تاریخ نهضت عاشورا را در وصیت‌نامه‌های شهدای استان قم با ۳۲۴ مورد استناددهی به خود اختصاص داده است. در بررسی آماری خردتر، عبارات بازتاب یافته به نقل از امام حسین (ع) براساس فراوانی چنین هستند:

الف) یاری‌خواهی: عبارت معروف «هل من ناصر ینصرنی» به بیان‌های گوناگون در نوشته‌های شهدا بازنمایی شده است و بیشترین فراوانی را در وصیت‌نامه ۱۸۱ تن از شهیدان به خود اختصاص داده است.

شهید مجتبی عابدی سقا نوشته است: «حسین جان، آن قدر فریاد هل من ناصر ینصرنی ات نافذ بود و آن چنان تنهایی‌ات در آن تفتیده دشت برهوت دلمان را به آتش کشید

که اکنون در لبیک به تو ای وارث رسولان، همه صعب ها و سختی ها را با لذت ایثار بر دوش خواهیم کشید». شهید علی اکبر خلیلی از فراموش نکردن این ندا سخن گفته است و مهدی عسگری فردویی از خانواده خود می پرسد: «آیا می شود جواب فرزند پیامبر (ص) و ندای هل من ناصر ی نصرنی او را نادیده گرفت؟». شهید رضا بهنیا نیز نوشته است: «خدای ناکرده آن طور نباشیم که وقتی امام حسین (ع) در صحرای کربلا گفت هل من ناصر ی نصرنی فقط علی اصغر در گهواره گفت لبیک».

در باور شهدا، لبیک به ندای امام خمینی (ره) با پاسخ به ندای امام حسین (ع) همانند دانسته می شود. چنانچه شهید عوض حمزه پور می نویسد: «اعتقاد ما این است که هر زمینی کربلاست و هر روزی عاشورا است و هر جنگی که بر ما تحمیل شود پیکاری علیه امام حسین (ع) است». در باور شهیدانی چون نصرالله اکبری «امام می دانست که دیگر کسی نیست او را یاری دهد و این سؤال خطاب به من، به تو، به او و تمام نسل ها و عصرها و قرن هاست»؛ پاسخی که پیامدهایی چون زنده نگاه داشتن دین و رهایی انسان از ظلم را در پی می داشت، چنانچه شهیدان اسماعیل حبیبی، حسین خان احمدی و محمد نیکان به آن اشاره کرده اند.

مستند یاری خواهی امام حسین (ع) را می توان با عبارات «هَلْ مِنْ ذَابٍ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا هَلْ مِنْ مُعِيْثٍ يَرْجُو اللَّهَ بِإِعَانَتِنَا هَلْ مِنْ مُعِيْنٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَانَتِنَا» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۶؛ حلی، ۱۳۸۰: ۲۵۰) «هل من ناصر ی نصرنی؟» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۲) در منابع یافت.

ب) ذلت ناپذیری: ایستادگی در برابر ظلم و ستم و تن به ذلت ندادن در مقابل دشمنان از جمله اهدافی است که شهدا به تبعیت از اباعبدالله (ع) آن را مدنظر قرار داده و به آن سفارش می کنند. این ذلت ناپذیری را ۴۵ شهید استان قم با عبارت های گوناگون در وصیت نامه هایشان بازتاب داده اند.

شهید محمدحسین چشمه ای این سخن امام را در وصیت نامه اش چنین بازتاب داده است: «ما در این راه باک هیچ چیز را نداریم. زیرا ما اگر کشته شویم پیروزیم و اگر بکشیم پیروزیم. هیئات منا الذله، نه! نه! هرگز زیر بار ذلت نخواهیم رفت». شهید محمدحسن مشرفیان نیز از امام چنین نقل کرده است: «وای بر ما اگر تن به ذلت بدهیم. خواری و ذلت از ما دور است و خدا و رسول (ص) و مردم پرهیزگار مرا ذلیل نمی خواهند».

شهدا علت ایستادگی شان در مقابل دشمن را پیروی از این سخن امام حسین (ع) می دانند. به تعبیر شهید مرتضی سعادت خوش، «دانشجویان دانشگاه اباعبدالله (ع) ندای هیئات منا الذله را از سرورشان امام حسین (ع) درس گرفتند». شهیدان سید عبدالله میراحمدی، علی کوه پیما فردویی و عباس (محمد) پاینده تأکید کرده اند که می خواهند ندای هیئات منا الذله

حسین (ع) را جامه عمل بیوشانند. شهید اسماعیل قرنلی بیان می‌کند: «ما از رهبرمان امام حسین (ع) آموخته‌ایم مرگ با عزت را به زندگی با ننگ ترجیح می‌دهیم». آنان نه تنها خود از این مشی امام پیروی می‌کنند، بلکه همچون شهید مهدی منصوری دیگران را نیز به تبعیت از آن سفارش می‌کنند. شهید حسن کارآمد پیشه می‌نویسد: «حسین‌گونه مرگ با عزت را بر حیات ننگین ترجیح بدهید». شماری از شهدا همچون عباس (محمد) پاینده معتقدند آنان که خود را طرفدار حسین (ع) می‌دانند باید راه او را ادامه دهند، چرا که به نوشته شهید علی رحیمی بلطاقی، طبق آموزه‌های مکتب اباعبدالله الحسین (ع) حسینیان همیشه با یزیدیان در نبردند و نباید زیر بار ظلم و جور حکومت‌های فاسد و جنایت‌کار رفت. شهید یدالله طالب حقیقی تأکید کرده است: «برای گسترش اسلام در سطح جهان و دستیابی به آزادی کامل و رهایی مستضعفان تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون در راه هدف با دشمنان مبارزه خواهیم کرد». پیام شهدا را می‌توان در وصیت‌نامه شهید مجتبی اویسی فردویی دید که خطاب به دشمنان و منافقان می‌گوید: «اگر در بیابان‌ها هزار مرتبه قطعه‌قطعه شود با هر قطره خونس صدا می‌زند هیاهات من الذله».

منابع تاریخی سخنان ذلت‌ناپذیری امام حسین (ع) را می‌توان در موارد متعدد رصد کرد. امام به برادرش محمد حنفیه فرمود: «لو لم یکن فی الدنیا ملجا ولا ماوی لما بایعت یزید بن معاویه» (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۶ و حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۵۸). عبارات ذلت‌ناپذیر امام در جواب قیس بن اشعث نیز چنین گزارش شده است: «لا والله لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل و لا اقر اقرار العبید» (ابو مخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۲۰۹؛ مفید، ۱۴۱۳ الف، ج ۲: ۹۸؛ ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۴۹). همچنین ایشان در برابر سپاه عمر سعد فرمود: «ألا وان الدعی ابن الدعی قدرکونی اثنتین؛ بین السله و الذله و هیاهات من الذله» (مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۶؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۹۷).

ج) استقبال از شمشیرها: از عباراتی که می‌تواند به وضوح استناد به امام حسین و الگوگیری از ایشان را نشان دهد عبارت «فیاسیوف خذینی» است که در وصیت‌نامه‌ها ۳۲ مورد را به خود اختصاص داده است. شهدا با تمسک به این عبارت سینه خود را، با هدف زنده نگاه داشتن حق و اعلام وفاداری نسبت به امام حسین (ع) و صادر شدن اسلام به جهان، آماده آماج گلوله‌های دشمن می‌کنند و مهیا شدن برای شهادت را تالی‌تلو حرکت سیدالشهدا (ع) و تحقق آرمان‌های آن حضرت می‌دانند. شهید حسن کارآمد پیشه نوشته است: «چقدر دردناک بود آن موقعی که امام حسین (ع) دید دیگر سخن گفتن برای مردم فایده‌ای به حال آن‌ها نخواهد داشت، لذا مخاطب خویش را شمشیرها قرار داد و فرمود: "ان لم یستقم دین محمد الا بقتلی فیاسیوف خذینی: ای شمشیرها به خاطر حفظ دین پیامبر اسلام (ص) مرا

تکه تکه کنید". شهید سید مصطفی قانع نیز با بیان نقلی شبیه عبارت شهید کارآمد در ادامه به بیان استعاری می نویسد: «ما هم اعلام می کنیم که ای امریکا، ای شوروی، ای کفتارهای خون آشام، اگر دین حسین (ع) جز با کشته شدن ما پایدار نمی ماند، پس ای کاتیوشاها، ای خمپاره ها، ای گلوله ها، ای مین ها، مرا دربرگیرید؛ زیرا هرچند که بارها زنده شویم باز کشته شویم می خواهیم دین حسین (ع) پایدار بماند».

شهید علی اسحاقی فرد گلوله ها و خمپاره ها را به سمت خود فرامی خواند تا درخت انقلاب بروید و شاخ و برگ یابد و با ثمر شود تا نسل های آینده از این ثمره درخت انقلاب استفاده کنند. شهید علی رضاییان می نویسد: «اگر با کشته شدن این ملت و این بسیجیان دین اسلام به تمام جهان صادر می شود، پس همه را دربرگیرید». شهید غضنفر غلامی نیز با ذکر این عبارت منسوب به امام بیان می دارد: «ای بعضی های خائن، اگر با ریختن خون من و اگر با بریده شدن سرم و با قطع دستم و پاهایم و تکه تکه شدن اعضایم اسلام با خون من آبیاری می شود و با ریختن خونم راه کربلا باز می شود، ای گلوله ها و سرنیزه ها و سلاح های گرم و یا هر وسیله که دارید، مرا دربرگیرید».

در استناد این سخن به منابع باید گفت هرچند در وصیت نامه شهدا این سخن منتسب به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) شده است، اما شاهی بر آن یافت نشد. گفته شده است این عبارت برگرفته از قصیده شاعر اهل بیت علیهم السلام محسن ابوالحب است (داودی و رستم نژاد، ۱۳۸۷: ۲۶).

د) سعادت پیشگی مرگ: شهادت (مرگ در راه خدا) نزد شهدا از ارزش برخوردار بوده است و شهدا سعی کرده اند با الهام از سخنان امام حسین (ع) به بیان های متفاوت آن را گوشزد کنند. ۲۶ شهید این سخنان را در وصیت نامه هایشان بازتاب داده اند.

شهید محسن امینی نگاشته است: «امام حسین (ع) فرمود: انی لا اری الموت الا سعاده و الحیاه مع الظالمین الا برما؛ همانا من مرگ را جز سعادت و عزت، و زندگی با ظالمین را جز خواری و ذلت نمی بینم». شهید رضا سادوند و شهید احمد موحیدیان قمی نیز نوشته اند: «وصیت حسین (ع) به خواهرش زینب (س) است که می فرماید: خواهرم غصه ندارد. آماده کشته شدن من باش. مرگ حق است، امروز یا فردا، چه بهتر که در راه خدا کشته شوم». شهید محمد صفایی حائری نیز این قسمت از کلام امام را بازتاب داده است: «الموت خیر من رکوب العار» و شهید مهدی منصوری به این حدیث اهتمام داشته است: «موت فی عز خیر من حیاه فی ذل».

شهدا، با بیان سخنان سرشار از بزرگی روح و کرامت انسانی سید و سالار شهیدان (ع)، می خواهند بیان کنند که پیرو مولایشان حسین بن علی (ع) هستند. شهید علی رضا

حسین علی بیگی زنده بودن انسان را در این دنیای فانی به حرکتش می‌داند، پس چون امام خود به مرگ می‌نگرد و از جهاد در راه خدا نه تنها باکی ندارد، که رستگاری خود را در آن می‌بیند. شهید مسلم بیطرفان زیستن در کنار ظالمان را بر نمی‌تابد و آن را خواری و حقارت و ذلت می‌شمارد. شهید محمد باکمال از همه ملت می‌خواهد که اجازه ندهند دشمنان اسلام آنان را به زیر سلطه خود درآورند. شهید علی‌رضا حسینی معتقد است: «خون بر شمشیر پیروز است و آزاد زیستن را به همراه دارد». با این تفکر است که شهید مهدی منصوری به مخاطبان وصیت‌نامه‌اش سفارش می‌کند: «این سخنان امام حسین (ع) را سرمشق خود قرار دهند و آن‌ها را به فراموشی نسپارند». شهید محسن امینی تأکید می‌کند: «باری را که شهدا بردوش تک‌تکمان گذارده‌اند به مقصد برسانید و از زیر بار این مسئولیت بزرگ شانه خالی نکنید». شماری از شهدا نیز با بیان بعضی از این احادیث از خانواده‌های خود می‌خواهند که در شهادت عزیزان خود صبر و استقامت به خرج دهند و غمگین نشوند و راه شهدا را ادامه دهند.

مستند این سخنان امام را در منابع گوناگون می‌توان یافت؛ برای مثال، آمده است: «امام در نخستین برخورد با سپاه حر در منطقه ذو حسم فرمود: "انی لا اری الموت الا سعادة و الحیاه مع الظالمین الا برماً"» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۸؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۷۶). همچنین از امام نقل شده است که در میدان جنگ خطاب به دشمنان فرموده است: «الموت خیر من رکوب العار» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۸، ۱۱۰؛ علی بن عیسی اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۲، ۳۶). چنانچه بیان شده است ایشان در جواب حر این بیت را فرمود: «سَأْمُضِي فَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَيَّ الْفَتَى إِذَا مَا نَوَى حَقًّا وَ جَاهِدَ مُسْلِمًا» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۵۴؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۹، ۹۶).

البته در این میان شهید اسماعیل قرنلی به نقل از امام حسین (ع) نوشته است: «اشرف الموت قتل الشهاده: شرافتمندترین مرگ‌ها شهادت است»، در حالی که این حدیث نقل شده از پیامبر (ص) است (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷: ۸). شهید مجید پاریا و نیز به نقل از امام نگاشته است: «ان الحیوه عقیده و جهاد» و شهید محمد صفایی حائری نیز آورده است: «اینکه امام (ع) صراحتاً می‌فرماید: زندگی توأم است با عقیده و جهاد به خاطر این است که بفهماند انسان معتقد نمی‌تواند زیر بار ستم برود و نیز نشانگر این است که همیشه در طول تاریخ دو طیف حق و باطل بوده است که هر دو یک خط‌مشی بخصوصی داشته است». شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «این جمله که به نام امام حسین (ع) مشهور شده در هیچ مدرکی از مدارک اسلامی چنین جمله‌ای از امام حسین (ع) نقل نشده است. معنای این جمله هم درست نیست و با منطق امام حسین (ع) جور در نمی‌آید. منطق اسلام این نیست، زندگی این است که انسان یک عقیده‌ای داشته باشد و در راه عقیده‌اش جهاد کند. در اسلام

صحبت عقیده نیست، صحبت حق است. زندگی این است که انسان حق را پیدا کند و در راه حق جهاد کند. این مسئله که در راه عقیده باید جهاد کرد یک فکر فرنگی است که بعدها در میان مسلمین آمده است» (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۰۹).

هـ) رضایت از تقدیر الهی: سخنان امام حسین (ع) در خصوص رضایت از تقدیر الهی از جمله مواردی است که در وصیت نامه ده تن از شهدای قم بازتاب یافته است. شهید قدرت الله رحمانی نوشته است: «امام حسین (ع) در لحظات آخر سر به سجده گذاشت و فرمود: الهی رضا بقضائک و صبرا علی بلائک و تسلیم لامرک یا غیاث المستغیثین» و شهید مجید دلجو یادآور شده است: «جمله آخر امام حسین (ع) را در نظر داشته باشید که می فرمودند: الهی رضا بقضائک تسلیم لامرک لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین». شهید حسین علی محمدی براساس آموزه رضایت به تقدیر الهی نوشته است: «بنا به گفته امام حسین (ع)، خود را برای تحمل رنج ها و مصیبت ها و ناکامی ها و ناروایی ها آماده سازید و دل قوی دارید که قادر یکتا پشتیبان و نگهبان شماست و تنها اوست که شما را از شر دشمنان نجات می بخشد و عاقبت شما را به خیر می گرداند و دشمنان شما را به انواع عذاب ها و شکست ها دچار می گرداند».

برخی از شهدا سپردن سرنوشت خویش را به دست خداوند الهام گرفته از سخنان امام حسین (ع) در واقعه عاشورا می دانسته اند. در تأیید این سخن از شهید رضا شعبان زاده آمده است: «هنگامی که سیدالشهدا (ع) برای جنگ آماده می شد به خانواده مکره ماش چنین گفت: این مصیبت ها و سختی ها زودگذر و تمام شدنی است. ولی به پاداش این جان فشانی ها، فداکاری ها به نعمت های ابدی و بی پایان خداوندی خواهید رسید و بر سر پیرکرامت و بزرگواری تکیه خواهید زد و اگر می خواهید در مقام و عظمت شما خللی وارد نشود، هیچ گاه زبان به شکایت نگشایید و آنچه را که از قدر و منزلت شما می کاهد بر زبان نیاورید». باینکه منبع استنادی سخنان این دو شهید به امام حسین (ع) یافت نشد، اما می توان دریافت که ایشان با چه رویکردی خود را تسلیم تقدیر الهی می دیدند. همچنین در منابع معتبر عبارت «إلهی رضی بقضائک...» یافت نشد.

و) دیگر سخنان حضرت (ع): در بررسی متن وصیت نامه شهدای قم می توان بازتاب سخنان دیگری را از امام حسین (ع) مشاهده کرد.

سخن از هدف قیام اباعبدالله (ع) از دید شهدا دور نمانده است. هرچند تعداد اشاره به آن دو مورد بیشتر نیست، اما بیان کننده آن است که این موضوع برایشان از اهمیت برخوردار بوده است که به ذکر آن پرداخته اند. شهید مصطفی عباسی مقدم هدف از قیام امام را

سرلوحه عملکرد خویش قرار می‌دهد و می‌نویسد: «حسین (ع) اعلام می‌کند: ببینید به حق عمل نمی‌شود». شهید محسن بیابانی مظلوم قمی نیز از قول امام حسین (ع) آورده است: «پروردگارا تو می‌دانی که من مشتاق اصلاح دین تو هستم و خواستار آبادی شهرها و آزادی مردم و نمی‌خواهم که بندگان مظلوم تو در دست ستمگران به اسارت دچار شوند».

این شهدا با اشاره به این احادیث هدف خود را از جنگیدن در راه خدا مشخص می‌کنند که هدفشان همان هدف مولایشان حسین (ع) است؛ عمل شدن به حق و اینکه نمی‌خواهند بندگان مظلوم در دست ستمگران به اسارت دچار شوند هدف غایی شهداست. شهید مصطفی عباسی مقدم در قسمت‌هایی از وصیت‌نامه‌اش آورده است: «انگیزه‌ای که این‌ها را برانگیخته همان عشق به حسین (ع) و یاری مظلوم و مظلومان جهان است... مواظب باشید که دینی در مقابل خون شهدا نداشته باشیم. حق خون شهدا جهاد در راه خداست، برداشتن اسلحه به جای مانده برادر غرق به خونت. سلاح را بردار و به پیش تاز که این شب ظلمانی و تیره فجر و طلوع خورشیدی در پیش دارد... بدانید هدف هدفی است که از پیامبر خدا تا حسین (ع) اعلام می‌کند؛ اعلام می‌کند: ببینید به حق عمل نمی‌شود. ای انسان‌ها کوشا باشید که شما باید رسالت خونین حسین (ع) خویش را انجام دهید و انتقام خون حسین (ع) را از یزیدیان زمان بگیرید. خون حسین (ع) در طول تاریخ می‌جوشد و نمی‌گذارد ظالمان و دشمنان اسلام يك نفس بکشند».

به گزارش منابع، امام این سخنان را در مسیر کربلا در جمع لشکریان حر در منطقه ذو حسم بیان داشت: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ» (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۵۰؛ حسن بن نصر حلوانی، ۱۴۰۸: ۸۸؛ علی بن عیسی اربلی، ۱۳۸۱، ج ۳۲: ۲).

در بین احادیث بیان شده از امام حسین (ع) در وصیت‌نامه‌ها سخنی است که زیبایی مرگ را به تصویر می‌کشد. دو شهید به این سخن اشاره کرده‌اند. شهید عباس غفاری فردویی نوشته است: «خط الموت علی ولد ادم مخط القلاده علی جید الفتاه؛ مرگ برای فرزندان آدم آن چنان زیباست که گردن‌بندی در گردن دختری زیبا جلوه کند».

منبع این سخن را می‌توان در منابع کهن به هنگام حرکت امام حسین (ع) از مکه یا در شب عاشورا یافت (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۴۶؛ شریف الرضی، ۱۴۲۲: ۱۹۹؛ مفید، ۱۴۱۳، ب: ۷۱).

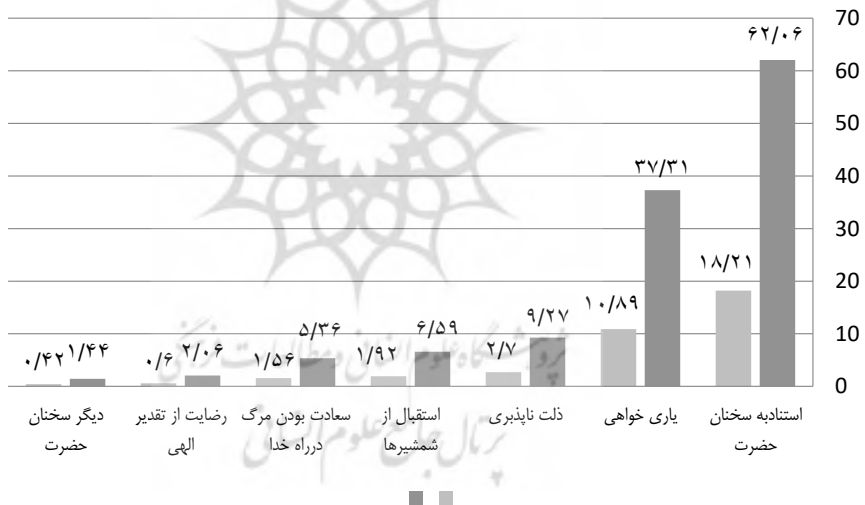
در وصیت‌نامه شهدا مطالبی از امام راجع به دنیا نیز دیده می‌شود. این قسمت اشاره دو شهید را داراست. شهید فرج‌الله رضازاده آورده است: «مردم بنده دنیا هستند. دین لعبی است که تا زندگی روبه‌راه است به دور زبان گردند و چون دوران آزمایش رسید دین‌داران کمیاب شوند». شهید سید محمود موسی نژاد با الهام از امام حسین دنیا را زندان توصیف کرده است:

«به هنگام شهادت من، گفته سرور شهیدان حسین بن علی (ع) را یاد آر آن گاه که فرمود: دنیا زندان مؤمن است و مرگ پلی است برای انتقال وی از سرا و پرواز به حیات جاویدان».

منابع تاریخی این سخنان امام را می توان در ورودشان به کربلا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۵؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۱۱۷) و یا در روز عاشورا خطاب به یارانشان (علی ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۵۲؛ علی ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۸۹؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۳) مشاهده کرد.

در بین احادیث بیان شده از سیدالشهدا (ع) یک حدیث تکموردی وجود دارد که در وصیت نامه شهید جعفر کرمانی بازتاب یافته است: «امام حسین (ع) فرمودند: هر کس که شهیدی داد به بستگان او بگوید که برای من گریه کنند».

این سخن در منابع کهن از حضرت سکینه (س) گزارش شده است که از پدرشان بعد از شهادت شنید: شِيعَتِي مَا اِنْ شَرِبْتُمْ رَيَّ عَذْبٍ فَادْكُونِي اَوْ سَمِعْتُمْ بِغَرِيبٍ اَوْ شَهِيدٍ فَانْدُبُونِي (کفعمی، ۱۴۰۵: ۷۴۱؛ نورالله بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۹۵۸: ۱۱؛ موسوی المقمم، بی تا: ۳۰۸، ۳۰۷).



نمودار ۱. بازتاب سخنان امام حسین (ع) در وصیت نامه ها

۲. بازتاب مسئله شهادت

شهادت امام حسین (ع) و یارانش در نوشتار شهدا بازتابی چشمگیر داشته است و ۹۸ مورد را به خود اختصاص داده است.

شهید محمدتقی حاج کاظمی از خانواده اش این گونه خواسته است و از خدا تمنا کرده است: «به جای گریه برای من، برای تنهایی و غربت آقا حسین (ع) گریه کنید که در صحرای کربلا لب تشنه شهید شد. خدایا من عاجزانه از تو تقاضا می کنم که من هم با لب تشنه شهید

شوم، زیرا که مولای من این طور شهید شد و دست هایم قطع و فرقم شکافته شود، زیرا که ابوالفضل العباس این گونه به شهادت رسید و بدنم سوراخ سوراخ شود، زیرا که حسین (ع) در صحرای کربلا بدنش به وسیله نیزه یزیدیان سوراخ سوراخ گردید». شهید جعفر نیکوکلाम هدف و آرزویش را از بودن در جبهه ها این گونه سروده است: «دیدم باشد به نام نامی رهبر بمیرم / پس چه بهتر چون حسین از تیر و از خنجر بمیرم* دوست دارم تشنه لب باشم به هنگام شهادت / جرعه ای نوشم ز دست ساقی کوثر بمیرم». شهید غلام حسین حامدنیا نیز این گونه خواسته است: «مرا غسل ندهید و کفن نکنید، چون رهبرم حسین (ع) نه کفن داشت و نه غسل».

همچنان که ملاحظه می شود، شهدا چنان با سیدالشهدا (ع) هم ذات پنداری دارند که گاهی متغیر رهبر زنده حذف و خود را یاور حسین می پندارند؛ تلاش می کنند دل ها را متوجه مظلومیت امام و یاران و خبائت یزیدیان کرده و شور و شعور حسینی را در جامعه بازتاب بخشند؛ با نگارش وصیت سعی می کنند آموزه های عصر خویش را جهان شمول و سرمدی کنند. به تعبیر شهید علی لطف علی زاده قمی، «بنویس ای قلم، بنویس تا در تاریخ ثبت شود و تو ای تاریخ، آن را در خود جای ده و آنچه حق است ضبط کن که اگر تو نیز حق را انکار کنی روزی رسوا خواهی شد».

الف) بدعه‌دی برخی یاوران: پیوند کوفه با نهضت عاشورا چنان است که یادآوری نهضت حسینی تداعی کننده بدعه‌دی کوفیان خواهد بود؛ کوفیانی که امام را به شهر خویش خواندند اما به وقت عمل فرزند فاطمه (س) را یاری نکردند. ضمن آنکه برخی از نزدیکان امام نیز انتظار حضورشان در کربلا می رفت که این گونه نشد. در وصیت نامه های شهدای قم ۴۵ شهید از این بدعه‌دی ها یاد می کنند که نشان دهنده اهمیت آن در نگاه این شهدا بوده است.

آنچه از مضمون نوشته های شهدا در وصیت نامه ها پیرامون آغاز سفر امام حسین (ع) به دست می آید همراهی نکردن برخی یاران و دوست داران امام (ع) با ایشان است. شهدا در این زمینه برای کسانی که اندیشه هایشان به تنهایی رهبر جامعه منجر می شود تصویری از تنهایی اباعبدالله (ع) به واسطه بی خردان جامعه ترسیم می کنند؛ آنجا که شهید مصطفی ابراهیمی یزدی بیان می دارد: «آن متقی نمایانی که در عصر امام معصوم (ع)، به عنوان اینکه به تقوای آنان خللی وارد نشود، حسین (ع) را تنها گذاردند و خواهان آن اند که جوامع مسلمان از این امر برحذر باشند، چرا که بعضی از آنان به گمان دین داری حسین (ع) را تنها گذاردند؛ اما تنهایی دلیلی برای عدم انجام وظیفه آن هم از جانب ولی خدا نیست». شهید احمد علی صالحی به این نکته با این ظرافت اشاره می کند: «آیا امام حسین (ع) موقعی که حرکت کرد نگاه کرد ببیند که فلانی چون دفاع از اسلام نمی کند پس من هم نمی کنم؟ خیر. هر کس برای

خود وظیفه ای دارد که باید به آن عمل کند». در میان مطالب اشاره شده به امام حسین (ع) قسمت هایی مشاهده می شود که مربوط به کوفه و کوفیان است. در این بخش بیشتر به جنبه اعتقادی کوفیان پرداخته می شود و کوفیان با الفاظی چون «بی وفا» و «سست عنصر» و «مشرک و منافق» توبیخ می شوند. وصیت نامه شهدا دعوت از امام حسین (ع) و یاری نکردن ایشان را ننگی می شمارد که تا ابد از پیشانی کوفیان پاک نخواهد شد. ترسیم «آینده ای ناخوش» برای کوفیان بدعهد تصویری است که شهید احمد عسگری نیستانک از تاریخ ثبت شده پیرامون عاقبت کوفیان بیرون کشیده و به آن اشاره کرده است.

شهدا مردمان کوفه را عبرتی برای مردمان عصر خود و آیندگان دانسته اند تا بار دیگر خطای آنان تکرار نشود. آن ها سعی می کنند، با شرح تاریخ و بیان عملکرد کوفیان، حس مسئولیت پذیری مردم را در قبال رهبرانقلاب بالا برده و از ایشان در مقابل دشمنان حمایت کنند؛ همان گونه که شهید علی اصغر آقایی می نگارد: «اگر ما امام و انقلاب را یاری نکنیم، هیچ فرقی با مردم اهل کوفه آن زمان نداریم؛ زیرا آن ها اباعبدالله (ع) را یاری نکردند». می توان گفت آنچه برای رزمندگان از ارزش زیادی برخوردار است پای بندی به عهد و پیمانی است که با رهبر خود بسته اند. شماری از شهیدان همچون اکبر داداشی دیوکلایی و هدایت الله اکبری رکن آبادی با شبیه سازی انقلاب خمینی با قیام حسینی معتقدند: «چرا به ندای رهبرمان لبیک نگوییم که ما خود با تظاهرات علیه طاغوت و دادن شهدای بسیار خواستار ورود مبارکش به ایران شدیم و اگر بخواهیم بی تفاوت باشیم مانند مردم کوفه هستیم که امام حسین (ع) را دعوت کردند و امام حسین (ع) مسلم را به کوفه فرستاد با او بیعت نموده و سپس بیعت را شکستند. ما مردم کوفه نیستیم که امام را دعوت کنیم و سپس او را تنها بگذاریم. ما با مال و جان و برادران خود برای اسلام و خدا جان می دهیم».

شهید محمدتقی جعفری کافی آبادی تأکید می کند: «مبادا هوای کوفیان بر شما غالب گردد و همان گونه که حسین را تنها گذاشتند شما هم امام را تنها بگذارید». شهید مهدی آقاجانی متذکر شده است: «مبادا مانند مردم کوفه باشید و امام عزیزمان را تنها بگذارید و خون های شهدا را با این عمل ناپسندیده پایمال کنید که آن روز روز از بین رفتن اسلام و قرآن و پرچم سرافراز جمهوری اسلامی و احیای کفر و استکبار است... اگر صحنه را ترک نمایید دشمنان در کمینگاه ایستاده اند و آماده اند تا از کوچک ترین لغزش های شما استفاده کنند و ضربه ای به پیکر انقلاب که پیکر اسلام است وارد کنند و دوباره به همان وضع اولی شما را استعمار کنند».

ب) الهام گیری از قیام عاشورا: الهام از عاشورا و بصیرت نسبت به چرایی قیام اباعبدالله الحسین (ع) باعث مبارزاتی علیه طاغوتیان شده است. انقلاب ایران و مقاومت مردم در جنگ

هم به گونه ای وام دار خون پاک شهیدان کربلاست. ۴۱۰ مورد بازتاب این مسئله در نوشته های به یادگارمانده از فرزندان دفاع مقدس در قم دلیل روشنی بر این ادعاست.

شهید محمدتقی امین قیام عاشورا و دستاوردهایش را این گونه قلم زده است: «تاریخ صحنه پیکارهای خونین و رشادت ها و مجاهدت های زیادی را دیده و از سرگذشت قیام ها و انقلاب هایی که در جهان به وقوع پیوسته است، خاطره های شورانگیز و حماسه بخش و غرورآفرین و جاودانه ای به یاد دارد. قهرمانان فداکار و جان برکف و رهبران و پیشاهنگان شکوه آفرین و بزرگان دیش زیادی را در دامن خود پرورده است که هرکدام در یک روزگار و زمانی و در یک منطقه و مکانی قد برافراشته و در راه دفاع از اصالت ها و کرامت ها و ارزش های متعالی انسانی، در راه برقراری اخوت جامعه و تحکیم نظام قسط، مساوات، عدالت، زدودن جور و تبعیض و جنایت، در راه تکمیل مکارم اخلاق انسانی و در راه پیش برد اهداف والا و ارجمند بشر دوستی، تحقق ایمان و آرمان خدایی خویش، تلاش ها و کوشش ها کرده است؛ اما صحنه پرشکوه و نمایش عظیم و معنادار و عمیق و الهام بخشی چون کربلا و امام و پیشوای شهادت آرمان خداگونه ای چون حسین (ع) و پیام جاودانه و حیات آفرینی چون عاشورا را هرگز به یاد ندارد. جویبار خون که از زخمگاه پیکره شهیدان تشنه لب در بیابان تفتیده و سوزان کنار فرات جاری شده بود همواره و تا همیشه تاریخ و هر روز مواج تر و خروشناک تر از پیش بر گستره زمین جریان دارد و پیام خون شهیدان را در گوش جان ها زمزمه می کند و شور و شوق شهادت را در دل انسان ها زنده می کند و بر هر کوهساری ارغوان خون رنگ عشق می رویاند و... حسین (ع) رهبری است که به آزادگان جهان راه و رسم شهادت می آموزد و به قهرمانان درس اخلاص و پاک بازی می دهد؛ خلق ها را به دفاع از حقیقت ها فرامی خواند و به محکومان نظام های جور و جاهلیت چگونه مردن را یاد می دهد و فلسفه قیامش را در مکتب خویش تبیین می کند. حسین (ع)، آن ابرمرد تاریخ اسلام، حج را از مکه به کربلا آورد و سراپا تسلیم و رضا در برابر دوست در عید عاشورا به قربانگاه خویش آمد... تا صبح با ذکر و دعا و عبادت و شور و شوق شهادت گذراندند تا صبح نمایش حج حسینی را برگزار کردند و چه پرشکوه و عظیم است حجتی که حسین (ع) در کربلا انجام می دهد». شهید محمد طهماسبی هم این تفکر را که جهاد مختص صدر اسلام و خاصه سال ۶۱ هجری بوده است با توجه به حکمت خداوند بی پایه می خواند و تداوم جنگ و جهاد را یادآور می شود.

می توان گفت چرایی قیام عاشورا و تبعیت از درس های آن برای شهدا از اهمیت برخوردار است، چرا که خود را دانشجویان دانشگاه اباعبدالله (ع) می دانند و دفاع مقدسشان را در راستای قیام ایشان؛ پس به طرق گوناگون دیگران را نیز به این تبعیت فراخوانده تا به خون هایی که برای آبیاری اسلام ریخته شده است خیانت نشود و آزاد زیستن و حریت فراموش نشود.



نمودار ۲. بازتاب نهضت سیدالشهدا در وصیت نامه ها

بحث و نتیجه گیری

بررسی وصیت نامه ۱۶۶۱ تن از شهدای دفاع مقدس استان قم نشان می دهد بیشترین بازنمایی تاریخی را عصر سیدالشهدا (ع) و خاصه نهضت عاشورا، با ۴۸۵ مضمون پایه، به خود اختصاص داده است. از آنجاکه مذهب کشور ایران اسلام شیعی بوده و مهم ترین شخصیت اسطوره ای ایرانیان که به دلیل ذلت ناپذیری به شهادت رسید امام حسین است، این حضرت مضمون اصلی با بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. بنابراین، در گرایش ابراهیمی شهدای دفاع مقدس، امام خمینی (ره) همان امام حسین (ع) است.

مضامین فراگیر استخراج شده از بازتاب نهضت عاشورا در وصیت نامه ها را، که نشان دهنده اهداف و آرمان آن هاست، براساس فراوانی می توان چنین رصد کرد: الف) آموزه های حسینی با ۳۲۱ مورد بسامد شامل مضمون های «یاری خواهی»، «ذلت ناپذیری»، «سعادت بودن مرگ در راه خدا»، «استقبال از شمشیر»، «سعادت پیشگی مرگ» و «رضایت به تقدیر» در رتبه اول قرار دارد.

ب) مسئله نحوه شهادت امام و یارانش نیز با ۹۸ مورد بازتاب در ردیف دوم قرار می گیرد. ج) اشاره به بدعهدی بعضی افراد و همراه نشدنشان با امام نیز با تعداد ۴۵ مورد بازتاب در ردیف سوم قرار دارد.

د) الهام گیری از نهضت عاشورا نیز با ۴۱ مورد بازتاب در جایگاه بعدی قرار دارد. بنابراین، مقاومت و ذلت ناپذیری امام در برابر ظلم و استبداد مهم ترین بُعد از حادثه عاشورا است که منبع الهام شهدا قرار گرفته است.

منابع و مأخذ

- آوینی، سید مرتضی (۱۳۷۵). **گنجینه آسمانی**. تهران: کانون فرهنگی هنری ایثارگران با همکاری مؤسسه فرهنگی هنری روایت فتح.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). **معانی الأخبار**. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴). **اعتقادات الإمامیه (للمصدق)**. قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). **الأمالی (للمصدق)**. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: کتابچی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹). **شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار**. ترجمه محمدحسین حسینی جلالی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). **تحف العقول**. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). **مناقب آل أبی طالب**. قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸). **اللهوف علی قتلی الطفوف**. ترجمه احمد فهری زنجانی. تهران: جهان.
- ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا). **معجم مقاییس اللغة**. ترجمه عبدالسلام محمد هارون. ج ۳. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). **کامل الزیارات**. به تصحیح عبدالحسین امینی. نجف اشرف: دارالمرتضویه.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۳۸۰). **نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا ترجمه وقعه الطّف**. ترجمه جواد سلیمانی. به تصحیح یوسفی غروی و محمد هادی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۴۱۷). **وقعه الطّف**. ترجمه محمدهادی یوسفی غروی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). **کشف الغمه فی معرفه الأئمه**. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی هاشمی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۸). **صحیفه نور**. تهران: مؤسسه نشر آثار.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۳). **عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)**. ترجمه محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی. قم: مؤسسه الإمام المهدی.
- بوتول، گاستون (۱۳۸۷). **جامعه شناسی جنگ**. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). **نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص))**. تهران: نشر دنیای دانش.

پیشوایی، مهدی (۱۳۷۹). **سیره پیشوایان**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
حسکانی، عبيدالله (۱۳۸۱). **شواهد التنزيل (سیمای امام علی در قرآن)**. ترجمه یعقوب جعفری. قم: اسوه.

حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب (۱۴۱۸). **تسلية المُجالس و زينه المُجالس (مقتل الحسين (ع))**. ترجمه کریم فارس حسن. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
حلوانی، حسین بن محمد بن حسن (۱۴۰۸). **نزهه الناظر و تنبيه الخاطر**. قم: مدرسه الإمام المهدی (عج).

حلی، ابن نما (۱۳۸۰). **در سوگ امیر آزادی (ترجمه مشیر الأحران)**. ترجمه علی کرمی. قم: حاذق.
حلی، ابن نما (۱۴۰۶). **مشیر الأحران**. قم: مدرسه امام مهدی.
خمینی موسوی، روح الله. **وصیت‌نامه الهی سیاسی**. بازیابی شده در: <https://www.khamenei.ir>
داودی، سعید و مهدی رستم‌نژاد (۱۳۸۷). **عاشورا (ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیامدها)**. قم: امام علی بن ابی طالب (ع).

دهخدا، علی اکبر (بی‌تا). **لغت‌نامه دهخدا**. ج ۱۰ و ۴۹. تهران: دانشگاه تهران.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**. ترجمه غلام‌رضا خسروی. تهران: مرتضوی.

شریف الرضی محمد بن حسین (۱۴۲۲). **المجازات النبویه**. ترجمه مهدی هوشمند. قم: دارالحديث.
عابدی جعفری، حسن و محمد سعید تسلیمی و ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰). **تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی**.
اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰: ۱۵۱-۱۹۸.

علامه مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). **بحار الانوار**. ج ۴۴. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵). **المصباح للكفعمی (جنه الأمان الواقیه)**. قم: دارالرضی (زاهدی).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). **الکافی**. ترجمه علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کمری، علیرضا (۱۳۸۹). **حرمان هور (دست‌نوشته‌های شهید احمد رضا احدی)**. تهران: سوره مهر.
مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶). **اثبات الوصیه**. قم: انصاریان.

مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۲). **مصطلحات الفقه و معظم عناوین الموضوعیه**. قم: دارالحديث.
مصاحب، غلام حسین (بی‌تا). **دایره‌المعارف فارسی**. ج ۲. بی‌جا: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). **انسان کامل**. تهران: انتشارات صدرا.

- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ معین. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ الف). المسائل العکبریه. قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ب). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- مور، جری دی (۱۳۸۹). زندگی و اندیشه بزرگان انسان شناسی: مقدمه‌ای بر نظریه پردازان و نظریه‌های انسان شناختی. ترجمه جعفر احمدی و هاشم آقابیک پوری. تهران: جامعه‌شناسان.
- موسوی المقرم، عبدالرزاق (بی تا). مقتل الحسین (ع). تهران: الدراسات الاسلامیه.
- نفیسی (ناظم الأطبای)، علی اکبر (۲۵۳۵ شاهنشاهی). فرهنگ نفیسی. ج ۳. بی جا: خیام.
- Boyatzis, R. E. (1998). **Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development**. sage.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. **Qualitative research in psychology**, 3(2), 77-101.
- Eliade, M. (2005). **The myth of the eternal return, or, Cosmos and history**. Princeton university press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی